



گاهنامه هنر و مبارزه
Journal de l'Art et du Combat
آوریل 2011

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com>

مداخله در لیبی : شیادی جنایت کارانه
توسط دانیلو زولو

مداخله در لیبی : شیادی جنایت کارانه
تجلیل حقوق بشر، تضمین امنیت و صلح
و
صرف و نحو یاوه گویانه
توسط دانیلو زولو

par Danilo Zolo

Mondialisation.ca, Le 22 mars 2011

دانیلو زولو .. استاد در فلسفه حقوق بین الملل در دانشگاه فلورانس و مدیر :

Jura Gentium Journal, Rivista di filosofia del diritto internazionale e della politica globale

<http://www.juragentium.unifi.it/it/>

منبع :

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=23870>

ترجمه از فرانسه به فارسی توسط حمید محوی



طوفان شورش‌ی که روی کشورهای مغرب و مشرق وزید، از تونس تا لیبی، تا مصر، از یمن تا بحرین، بهار تازه‌ای را برای مردم عرب و مسلمان نوید نمی‌دهد.

آزادی، دموکراسی، عدالت، حداقل بهزیستی هنوز از رویاهای بسیار دور است. دشمنان آنها نیز قدرتمند هستند. جنگی را که، پریروز، متفقین اروپایی، فرانسه و انگلستان به اتفاق ایالات متحده آمریکا علیه لیبی آغاز کردند، نشانی است از خواست آنها مبنی بر زیر سلطه کشیدن منطقه مدیترانه، تمام خلیج و آفریقا که در چشم انداز آن واقع شده است.

در نتیجه، تجلیل حقوق بشر، تضمین امنیت و صلحی که در رسانه‌ها می‌شنویم، صرف و نحو ناب یاوه‌گویانه‌ای بیش نیست، چندمین خونخوار مکاره پس از تجاوز مصیبت بار علیه عراق و افغانستان، و پس از کشتارهای دولت اسرائیل – متحد بسیار نزدیک ایالات متحده آمریکا – و تداوم آن علیه مردم فلسطین.

ایالات متحده، این بار در آشفتگی آشکار و نامعلومی با هم پیمانانش و احتمالاً در درون دولت خودش، به سختی تلاش می‌کند تا برای چندمین بار به انگیزه‌های نو استعماری و نو امپریالیستی خود جامه مداخله بشردوستانه بپوشاند.

تجاوز گستاخانه به منشور سازمان ملل متحد و کاربست فرصت طلبانه شورای امنیت در سازمان ملل متحد، سرانجام، گواه بر خواست قدرت طلبانه اجتناب ناپذیر آنها است. بر این پایه، دقیقاً طرح تجاوز جنایت کارانه ناتو علیه صرب‌ی در سال 1999 تکرار می‌شود که رئیس جمهور کلینتون به عنوان «آزاد سازی» کوزوو معرفی می‌کرد.

اکنون مداخله «بشر دوستانه» به معنای قربانی کردن هزاران انسان بی گناه از طریق آسمان است. حتی با یک قرائت سریع از روی قطعنامه 17 مارس 1973 که در آن برای «منطقه ممنوعه پرواز» علیه لیبی تصمیم گرفته شده است، کافی خواهد بود که فوراً به نقض بسیار مهم شورای سازمان ملل متحد و علاوه بر این به نقض حقوق عمومی در عرصه بین المللی پی ببریم.

نقض منشور زمانی روشن می شود که به فرمان 7 ماده 2 توجه کنیم که مشخصاً می گوید «سازمان ملل متحد هیچ اختیاری برای دخالت در امور داخلی دولت ها ندارد». در نتیجه هیچ تردیدی وجود ندارد که «جنگ داخلی» به امور داخلی لیبی مرتبط بوده و موضوعی نیست که بتواند شورای امنیت را به شکل نظامی بسیج کند.

علاوه بر این، ماده 39 منشور سازمان ملل متحد پیش بینی می کند که شورای امنیت مجاز به استفاده از نیروی نظامی می باشد، ولی تنها پس از اثبات این امر که صلح بین المللی به خطر افتاده، و یا نقض صلح یا عمل خشونت آمیزی (از جانب دولتی علیه دولت دیگر) مشاهده شده باشد. در نتیجه در این جا ما به باز شناسی دومین و بارزترین دلیلی که کشتار مردم بی گناه را به عنوان جنایت تلقی می کند روبرو می شویم، یعنی کاری که متفقین اروپایی و آمریکایی می خواهند در لیبی انجام دهند.

و دولت ایتالیا از بسیج پایگاه ها و هواپیماهای نظامی اش برای شرکت در ریختن خون مردمی که تا همین چند هفته پیش با افتخار دوست خود اعلام می کرد، باید شرمسار باشد.

همان گونه که بارها با مراجعه به قطعنامه 1973 در شورای امنیت از «مسئولیت حفاظتی» گفته اند، واقعاً هیچ معنایی ندارد. در این مورد موضوع بر سر قطعنامه بسیار بحث انگیز 1674 به تاریخ 28 آوریل 2006 است. در صورت نقض اساسی حقوق انسان ها توسط هر دولتی، شورای امنیت می تواند آن را به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی تشخیص دهد. و در این صورت می تواند هر اقدام نظامی را که صلاح ببیند تصویب کند. نیازی به گفتن این موضوع نیست که شورای امنیت قابلیت تصمیم گیری برای هنجارهای حقوق بین المللی را ندارد. و در عین حال روشن است که «جنگ داخلی» در درون لیبی هیچ تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی به حساب نمی آید و به همین علت پنج عضو شورای امنیت (آلمان، روسیه؛ هند، چین و برزیل) به شکل ضمنی از آن دفاع کردند و به قطعنامه رأی ندادند. علاوه بر این، تجاوزی را که فرانسه، انگلیس و ایالات متحده به نام حمایت از حقوق انسان ها علیه مردم لیبی سازمان دهی کردند، توسط همین پنج عضو شورای امنیت محکوم شناخته شد.

همان طور که اتحادیه عرب اعلام کرده است، در هر صورت هدفش «نجات شهروندان است و نه کشتن آنها». از این پس آشکار است که راه های دیگری برای میانجی گری و حل منازعه می تواند جستجو شود.

در فاصله نه چندان دوری ما همه باور کرده بودیم که با چهره جدیدی مانند بارک اوباما، ایالات متحده نیز دچار تحول خواهد شد. ولی از این پس می دانیم که تغییر چهره نه تنها کافی نیست بلکه می تواند به عنوان نقاب به کار رود، و تداوم جنگ در افغانستان، سکوت در مورد فجایعی که به مردم فاسطین تحمیل می شود، و فقدان صراحتی که در مورد گوانتانامو انتظار داشتیم، جملگی گواه بر این واقعیت است. خاصه در مورد حقوق بشر.

در خواست سلطه جویانه ایالات متحده هیچ چیزی تغییر نکرده، و چنین امری برای مردم لیبی نتایج بسیار وخیمی در پی خواهد داشت، که وانمود کردند که می خواهند آنها را از خشونت دیکتاتور (خونخوار) نجات دهند.

به راحتی می توانیم پیش بینی کنیم که جنگ تا زمانی که قذافی اسیر و یا کشته نشود به پایان نخواهد رسید (دقیقاً مانند بلایی که سر رهبر عراق آمد که به خواست ژرژ دابلیو بوش رئیس جمهور آمریکا

اعدام شد). و باز هم می توانیم به راحتی پیش بینی کنیم که در پایان جنگ، ایالات متحده از قدرت خود برای تضمین کنترل لیبی (یا دولت سیرنیکا) استفاده خواهد کرد، همان طور که امروز به شکل نظامی و استراتژیک کوزوو را برای بهره برداری از منابع انرژی آن تحت کنترل دارد. و همان گونه که در عراق به وقوع پیوست.

این است مفهوم « جنگ برای عدالت» در مدیترانه توسط بارک اوباما و هلاری کلینتون.